

نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان

مقطع متوسطه

The role of essential needs and social support in social adjustment among high school students

A. Khoshkonesh: Assistant Professor, Shahid Beheshti University

Email: khoshkonesh_abolghasem@yahoo.com

M. Asadi: MA: Family Counselling

A. Shiralipour: MA in Educational Research

H. Keshavarz Afshar: PhD Student in Counselling

ابوالقاسم خوش‌کنش: استادیار دانشگاه شهید بهشتی

مسعود اسدی: کارشناس ارشد مشاوره خانواده

اصغر شیرعلی‌پور: کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

حسین کشاورز افشار: دانشجوی دکتری مشاوره

چکیده

Abstract

Aim: The aim of this study was to investigate the role of essential needs and social support in social adjustment among high school students. **Method:** A correlational method was used and the statistical population was all the students from Tarom district of Ghazvin province in Iran, who were enrolled in the 2008 – 09 academic year. The sample included 160 (80 girls, 80 boys) student who were selected based on availability. Assessment instruments were the Students Needs Survey (Burns, Vance, Diane, Seadokierski & Stockwell, 2006) Social Support Appraisals (SS-A) Scale (Vaux, Phillips, Holly, Thomson, Williams & Stewart, 1986) and the Adjustment Student Questionnaire Sinha and Singh (1993). Data were analyzed using path analysis. **Results:** Results show that the direct effect of gender on essential needs and social adjustment was significant but there was no direct effect of gender on social support. The indirect effect of gender on social adjustment and social support was significant but total effect of gender on essential needs was not significant. The direct effect of social support on social adjustment was significant. **Conclusion:** The findings of this study show that essential needs and social support can influence social adjustment. This information can be used so that the importance of essential needs and social support is reiterated in plans and programs so that social adjustment is increased and the degree of maladjustment is decreased in students.

Key words: essential needs, social support, social adjustment,

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام شد. **روش:** روش پژوهش همبستگی و جامعه مورد نظر کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه آموزش و پرورش منطقه طارم استان قزوین در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ بود. گروه نمونه ۱۶۰ دانش‌آموز شامل ۸۰ دختر و ۸۰ پسر بودند که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه نیازهای بنیادین دانش‌آموزان (برنز، وانس، داین، سیدوکرسکی و استاکول، ۲۰۰۶)، پرسشنامه حمایت اجتماعی (واکس، فیلیپس، هالی، تامپسون، ویلیامز و استورات (۱۹۸۶) و پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان (سینها و سینگ، ۱۹۹۳) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر، تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که اثر مستقیم جنس بر نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی معنادار است؛ ولی بر حمایت اجتماعی معنادار نیست. اثر غیرمستقیم جنس بر سازگاری و حمایت اجتماعی معنادار است. در حالی که اثر کلی جنس بر نیازهای بنیادین معنادار نیست. اثر مستقیم حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی معنادار است. **نتیجه‌گیری:** از آن‌جا که که نیازهای بنیادی و حمایت اجتماعی می‌تواند بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. می‌توان از این اطلاعات در راستای برنامه‌ریزی جهت تأمین نیازهای بنیادی و حمایت اجتماعی آن‌ها بهره‌جست و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان را افزایش داد و یا از شدت ناسازگاری جلوگیری کرد.

کلید واژه‌ها: حمایت اجتماعی، سازگاری اجتماعی، نیازهای بنیادین

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۹/۲۶؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۹/۱/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۵

مقدمه

نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است (پیر^۱، ۲۰۰۰). تغییرات این دوره از رشد ممکن است زمینه ساز مشکلات خاصی شود. هنگامی که نوجوانان نمی‌توانند به طور موفقیت-آمیز بر بحران‌ها و چالش‌های تحوّل غلبه کنند، پریشانی‌های روان‌شناختی را تجربه خواهند کرد و اختلال قابل ملاحظه‌ای در جریان بهنجار زندگی روزمره و جنبه‌های عاطفی، اجتماعی و شناختی بروز خواهد کرد که به دنبال آن شخصیت آن‌ها دچار اغتشاش خواهد شد (گاربر، کیلی و مارتین^۲، ۲۰۰۲). از همین رو یکی از موضوعات مورد بررسی در این دوره سازگاری^۳ این گروه است.

گوداشتاین و لانیون^۴ (۱۹۹۵؛ به نقل از مظاهری، باغبان و فاتحی زاده، ۱۳۸۵) سازگاری را فرایند پیوسته‌ای تعریف کرده‌اند که در آن، تجارب یادگیری اجتماعی شخص توانایی و مهارت‌هایی را فراهم می‌سازد که از آن طریق می‌توان به ارضای نیازها پرداخت. (رحیم نیا و رسولیان، ۱۳۸۵) سازگاری را مفهومی عام می‌دانند که همه راهبردهای اداره کردن موقعیت‌های استرس‌زای زندگی، اعم از تهدیدات واقعی و غیرواقعی را شامل می‌شود. هرگاه تعادل جسمی و روانی فرد به گونه‌ای دچار اختلال شود که ناخوشایندی به وی دست دهد، برای ایجاد توازن نیازمند به‌کارگیری نیروهای درونی و حمایت خارجی است، در این صورت اگر در به‌کارگیری سازوکارهای جدید موفق شود و مسئله را به نفع خود حل کند، فرایند سازگاری ایجاد شده است. ابعاد سازگاری شامل سازگاری اجتماعی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی است که در رأس همه، سازگاری اجتماعی قرار دارد؛ به‌طوری که این سازگاری پیش‌درآمد رسیدن به سازگاری عاطفی و اخلاقی تلقی می‌شود (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۵).

یکی از منابعی که به وقوع فرایند سازگاری کمک می‌کند، حمایت اجتماعی^۵ است. حمایت اجتماعی به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی اطلاق می‌شود که سایر افراد یا گروه‌ها به فرد عرضه می‌کنند (سارافینو^۶، ۱۳۸۴). همچنین حمایت اجتماعی شامل منابع اجتماعی است که افراد آماده دریافت آن هستند تا روابطشان را بهبود ببخشند (لورا، گراهام و ناومی^۷، ۲۰۰۷).

1. Pierre
2. Garber, Keily & Martin
3. adjustment
4. Goodestein & Lanyon
5. social support
6. Sarafino
7. Laura, Graham & Naomi

مطالعات زیادی مانند سالوویتا، ایتالینا و لینانن^۱ (۲۰۰۳)، وایت و هاستینگز^۲ (۲۰۰۴)، و سیسیلا و بلگری^۳ (۲۰۰۷) نشان داده‌اند که رابطه حمایت اجتماعی و سازگاری معنادار است. پژوهش‌های دیگری نیز نشان داده است که حمایت اجتماعی تأثیر مثبتی بر سازگاری دارد (ویز^۴، ۲۰۰۳؛ هالند و هولاهان^۵، ۲۰۰۳؛ برامبلی، هاری دیویدسون و امرسون، ۲۰۰۴). تائو، دانگ، پرات، پانسر و هانسبرگر^۶ (۲۰۰۰) نیز اظهار می‌دارند که حمایت اجتماعی رابطه نزدیکی با سازگاری اجتماعی دارد. در ایران نیز قراگوزلو، رحیمی‌نژاد و رضازاده (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان داده‌اند که بین سازگاری و حمایت اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت معناداری وجود دارد. از مسائلی دیگری که در این دوره مطرح است توجه به نیازهای نوجوانان است. مالی، بیسیک، بک، تاورا، فریک و کانوی^۷ (۲۰۰۳) خاطرنشان کردند که توجه به نیازهای دانش‌آموزان عامل کاهش رفتارهای منفی آنان است. نیازها، سازه‌های ساکن و ایستا نیستند، بنابراین بیشتر تعریف‌های موجود از نیازها، تا حد زیادی، تحت تأثیر چارچوب نظری و فکری پژوهشگرانی قرار می‌گیرد که به مطالعه آن می‌پردازند؛ پس طبیعی است که از نیازها طبقه‌بندی‌های زیادی وجود داشته باشد (نصیری و سامانی، ۱۳۸۷). در این میان، یکی از نظریه‌هایی که به نیازهای انسان پرداخته، «نظریه انتخاب» است، که توسط گلاسر^۸ پایه‌ریزی و در آن بر پنج نیاز اساسی انسان تأکید شده است. این نیازها درونی، جهان‌شمول، پویا و همخوان با یکدیگرند (تریگوناکی^۹، ۲۰۰۲). این پنج نیاز اساسی عبارت‌اند از بقاء، عشق، قدرت، آزادی و تفریح^{۱۰} (گلاسر، ۱۳۸۵).

پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته، نشان داده‌اند که درک و برآوردن این پنج نیاز اساسی راهی برای بهبود کیفیت زندگی و رفتار افراد است (فری و ویلهیت^{۱۱}، ۲۰۰۵). مؤلفه‌های مربوط به هر دسته نیاز عبارت‌اند از: الف) بقا که شامل نیاز جسمانی انسان برای زنده ماندن و تولید مثل، نیاز به امنیت و موفقیت تحصیلی است (فری و ویلهیت، ۲۰۰۵)؛ ب) تفریح که نیاز به لذت بردن، شادی کردن، خندیدن، بازی کردن و داشتن اوقات فراغت است (بلوم^{۱۲}، ۲۰۰۵)؛

1. Saloviita, Italinna & Leinonen
2. White & Hastings
3. Cecilia & Belgrave
4. Weiss
5. Holland & Holahan
6. Tao, Dong, Pratt, Pancer & Hunsberger
7. Malley, Basic, Beck, Tavra, Feric & Conway
8. Glasser
9. Trigonaki
10. Survival, Love, Power, Freedom & Fun
11. Frey & Wilhite
12. Blum

ج) عشق که شامل محبت و صمیمیت فردی، توجه به سلامتی دیگران، درصدد آشنایی با دیگران برآمدن، ایجاد روابط نزدیک با دوستان، احساس راحتی در کنار خانواده و روابط مناسب و رضایت‌بخش با خود و دیگران می‌گردد (هافستتler، میمس و تامپسون، ۲۰۰۴)؛ د) آزادی که به کنترل راه و روش زندگی، انتخاب گزینه‌های دلخواه، آزادی بیان، همکاری با فرد دلخواه، ادامه به شغل یا فعالیت دلخواه و آزاد و رها بودن از ناراحتی‌های جسمانی یا روانی از جمله ترس، استرس، بی‌حرمتی و یکنواختی اطلاق می‌شود (اروین، ۲۰۰۳)؛ و بالاخره ه) قدرت که نیازی به قدرت، منزلت، احترام، بازشناخته شدن از طرف دیگران، به حساب آمدن، برش داشتن، لذت از رقابت، ترس از آسیب‌پذیری، تلاش کردن و مطرح بودن به خاطر تلاش و موفقیت را شامل می‌شود (هافستتler و همکاران، ۲۰۰۴). نیازهای بنیادین ممکن است در بین دختران و پسران متفاوت باشد و این موضوع در پژوهش‌هایی بررسی شده است. برای مثال، هاروی و رتر^۱ (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان دادند که پسران به طور معنادار، نسبت به دختران، در تفریح ترجیح بالاتری از خود نشان می‌دهند و با افزایش سن به‌طور معناداری ترجیح کمتری به عشق و تعلق از آن‌ها بروز می‌کند، در حالی که ترجیح پسران به عشق و تعلق کمتر کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش سن، دختران ترجیح بیشتری نسبت به تفریح از خود نشان می‌دهند، در حالی که ترجیح پسران برای تفریح به همان میزان باقی می‌ماند. علاوه بر آن، ترجیح به قدرت در هر دو جنس کاهش و نیاز به آزادی افزایش می‌یابد. بالاخره این‌که دختران و پسران در نیاز به آزادی و خودارزشمندی سطوح مشابهی از خود نشان می‌دهند.

شناسایی مسائل و مشکلات دانش‌آموزان در محیط مدرسه از بُعد نیازهای جسمانی و روان‌شناختی می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود (بکرت، ویلکینسون و سینسبوری^۲، ۲۰۰۳). همچنین با توجه به این که سازگاری و هماهنگ شدن با خود و محیط پیرامون برای هر فردی حیاتی است (کراکت، مویلانن، رافیلی و راندال، ۲۰۰۶)، شناخت عوامل مؤثر بر آن، ضرورت انجام پژوهشی را در این زمینه موجه می‌سازد. لذا با توجه به اهمیت و نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه می‌باشد. بر این اساس فرضیه‌های در پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. جنس بر نیازهای بنیادین، سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.
۲. نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

1. Harvey & Retter
2. Bekert, Wilkinson & Sainsbury

۳. نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.
۴. جنس از طریق تأثیرگذاری بر نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی تأثیر غیرمستقیم دارد.
۵. نیازهای بنیادین از طریق تأثیرگذاری بر حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی تأثیر غیرمستقیم دارد.

روش

پژوهش حاضر در چارچوب یک طرح غیرآزمایشی از نوع همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه آموزش و پرورش منطقه طارم استان قزوین در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ بودند. نمونه مورد نظر شامل ۱۶۰ (۸۰ دختر و ۸۰ پسر) دانش‌آموز بود که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و آزمون در مورد آن‌ها اجرا شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان. این پرسشنامه را سینها و سینگ^۱ (۱۹۹۳)، به نقل از کرمی، (۱۳۸۰) تدوین کرده‌اند که دانش‌آموزان را از نظر میزان سازگاری عمومی و نیز در سه بُعد عاطفی، آموزشی و اجتماعی ارزیابی می‌کند. در این پژوهش از فرم ۴۷ سؤالی استفاده شده است و برای نمره‌گذاری به پاسخ‌های منطبق بر سازگاری نمره صفر به پاسخ‌های غیرمنطبق نمره یک منظور شد. مجموع کل نمرات نشان‌دهنده سازگاری عمومی فرد و مجموع نمرات فرد در هر حوزه سازگاری (عاطفی، آموزشی و اجتماعی) مشخص‌کننده سازگاری فرد در آن حوزه است. نمره پایین نشان‌دهنده سازگاری بالاتر و نمره بالا نشان‌دهنده سازگاری پایین‌تر است. این آزمون در هر سه سطح اجتماعی، عاطفی و آموزشی از روایی و پایایی^۲ مناسبی برخوردار است. ضریب پایایی این آزمون را مؤلفان (سینها و سینگ، ۱۹۹۳، به نقل از کرمی، ۱۳۸۰) از طریق دو نیمه کردن، برای سازگاری کل، عاطفی، اجتماعی و آموزشی به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۴، ۰/۹۳ و ۰/۹۶ و با روش بازآزمایی ۰/۹۳، ۰/۹۶، ۰/۹۰ و ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند. نویدی (۱۳۸۷) با اجرای این پرسشنامه در مورد ۱۶۴ دانش‌آموز دبیرستانی، ضریب آلفای کرونباخ را برای سازگاری کل ۰/۸۲ و برای سازگاری آموزشی، عاطفی و اجتماعی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۸ و ۰/۶۵ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای سازگاری اجتماعی ۰/۸۳ بدست آمد.

1. Sinha & Singh
2. validity & reliability

۲. پرسشنامه حمایت اجتماعی^۱: این پرسشنامه توسط واکس، فیلیپس، هالی، تامپسون، ویلیامز و استورات^۲ (۱۹۸۶، به نقل از زینی وند، ۱۳۸۴) تدوین شده است. ساختار نظری این پرسشنامه بر پایه تعریف کوب^۳ از حمایت اجتماعی استوار است. کوب حمایت اجتماعی را به میزان برخورداری از محبت، مساعدت و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف کرده است. این پرسشنامه ۲۳ سؤال دارد که سه حیطه محیط خانواده، دوستان و سایرین را دربر می‌گیرد. نمره‌گذاری این آزمون به صورت چهارگزینه‌ای (بسیار موافق، موافق، مخالف و بسیار مخالف) است. این آزمون را با تغییراتی ابراهیمی قوام (۱۳۷۱)، به نقل از تابع بردار و رضویه، (۱۳۸۳) در مورد ۱۰۰ دانشجو و ۲۰۰ دانش‌آموز ایرانی اجرا کردند و پایایی و روایی آن را نیز به دست آوردند. ضریب پایایی در نمونه دانشجویی در کل مقیاس ۰/۹۰ و در نمونه دانش‌آموزی ۰/۷۰ و در آزمون مجدد در دانش‌آموزان پس از شش هفته ۰/۸۱ بود. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ به دست آمده است.

۳. پرسشنامه نیازهای دانش‌آموزان^۴: این مقیاس ۲۵ سؤال و ۵ ماده برای ۵ نیاز اساسی (نیاز به بقا، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح) دارد. دانش‌آموزان به هر یک از مواد براساس مقیاس لیکرتی از «هرگز» تا «کاملاً درست» پاسخ می‌دهند. بنابراین به هر یک از ماده‌ها نمره ۱ تا ۵ اختصاص می‌یابد. نمره هر یک از خرده‌مقیاس‌ها از ۵ تا ۲۵ در نوسان است که ۵ به معنای عدم ارضای نیاز و ۲۵ به معنای ارضاشدن نیاز است. مواد را پنج نفر از مدیران مدارس تدوین کرده‌اند که از مؤسسه گلاسره گوهینامه «مدرسه کیفی» داشتند (برنز، وانس، سیدوکرسکی و استاکول^۵، ۲۰۰۶). ضریب آلفای کرونباخ برای ۲۵ ماده مقیاس ۰/۹۲ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۱ برای بقا، ۰/۶۹ برای عشق، ۰/۶۹ برای قدرت، ۰/۷۵ برای آزادی و ۰/۷۱ برای تفریح است. پایایی به روش بازآزمایی برای کل آزمون ۰/۹۶ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۸ برای بقا، ۰/۹۱ برای عشق، ۰/۸۸ برای قدرت، ۰/۸۰ برای آزادی و ۰/۸۱ برای تفریح است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۱ و برای خرده‌مقیاس‌های بقا، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و تفریح به ترتیب ۰/۴۴، ۰/۴۸، ۰/۶۴، ۰/۶۴ و ۰/۶۴ به دست آمد. برنز و همکاران (۲۰۰۶) برای نصف (۱۳ ماده) ضریب بالای ۰/۷۰ و برای بیش از ۹ ماده ضریب ۰/۶۵ و بالاتر از آن را گزارش کرده‌اند.

1. social support appraisals (SS-A) scale
2. Vaux, Phillips, Holly, Thomson, Williams & Stewart
3. Cobb
4. Students Needs Survey (SNS)
5. Burns, Vance, Diane, Seadokierski & Stockwell

یافته‌ها

از آن‌جا که در این پژوهش، هدف بررسی آثار نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی است، از تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل مسیر روشی آماری مبتنی بر نظام معادله خطی است که به منظور بررسی روابط علی دو یا چند متغیر به کار می‌رود. با کمک تحلیل مسیر می‌توان روابط مستقیم و غیرمستقیم مجموعه‌ای از متغیرها را مورد مقایسه قرار داد (هومن، ۱۳۸۴).

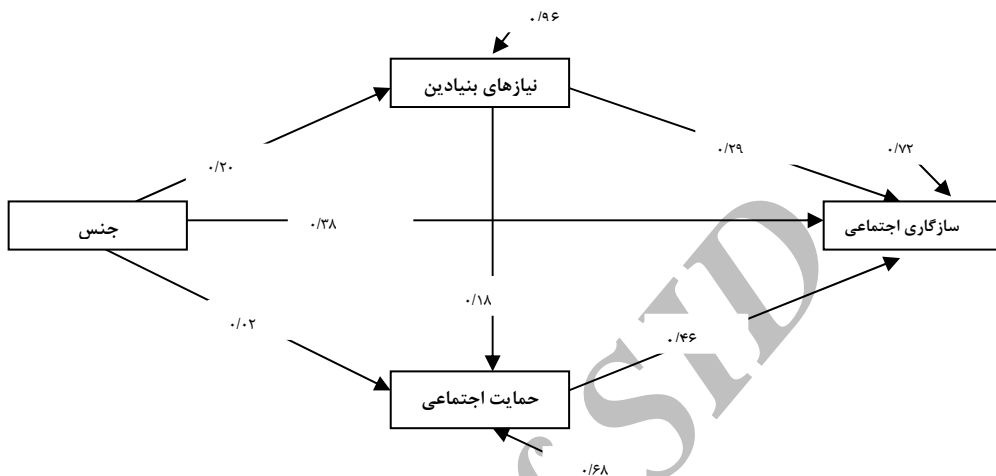
جدول ۱. ماتریس همبستگی نیازهای بنیادین، سازگاری اجتماعی، جنس و حمایت اجتماعی

متغیرها	نیازهای بنیادین	سازگاری اجتماعی	جنس	حمایت اجتماعی
نیازهای بنیادین	۱			
سازگاری اجتماعی	*۰/۳۷	۱		
جنس	*۰/۲۰	*۰/۴۴	۱	
حمایت اجتماعی	*۰/۳۵	*۰/۵۴	*۰/۲۷	۱

* $P \leq 0/05$

نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۱ نشان می‌دهد که جنس با سازگاری اجتماعی، حمایت اجتماعی و نیازهای بنیادین رابطه مثبت و معناداری دارد. سازگاری اجتماعی نیز با حمایت اجتماعی و نیازهای بنیادین رابطه معناداری دارد. به منظور آزمون مدل و مسیرهای آن از روش‌های گوناگون استفاده می‌شود. یکی از روش‌های موجود شاخص نیکویی برازش^۱ است و از میان آماره‌های برازش چهار شاخص مورد توجه است که عبارتند از: نیکویی برازش، شاخص تعدیل شده نیکویی برازش^۲، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۳ و χ^2 (سنگری، ۱۳۸۵). بر اساس نتایج به دست آمده کلیه شاخص‌های برازش معنی‌دار است و نشان می‌دهد که مدل با داده‌ها برازش کاملی دارد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از شاخص نیکویی برازش^۱، شاخص تعدیل شده نیکویی برازش^۲، χ^2 و درجه آزادی = ۰ و ارزش $P=۱$. مدل نهایی تحلیل مسیر پس از برآورد ضرایب مسیر در نمودار ۱ ارائه شده است.

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
3. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)



نمودار ۱. مدل نهایی تحلیل مسیر پس از برآورد ضرایب مسیر

با توجه به نتایج بالا کلیه فرضیه‌های پژوهش، به جز فرضیه تأثیر مستقیم جنس بر حمایت اجتماعی تأیید می‌شوند.

جدول ۲. آثار مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها

کل	غیرمستقیم	مستقیم	اثر
۰/۲۰		۰/۲۰	جنس بر نیازهای بنیادین
۰/۴۶	۰/۰۶	۰/۳۸	سازگاری اجتماعی
۰/۲۷	۰/۲۴	۰/۰۲	حمایت اجتماعی
۰/۴۱	-	۰/۴۶	حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی
۰/۱۳		۰/۱۸	نیازهای بنیادین بر حمایت اجتماعی
۰/۲۹	۰/۱۳	۰/۲۹	نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی

جدول ۲ اثر مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها را بر یکدیگر نشان می‌دهد. اثر مستقیم جنس بر نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی معنادار به دست آمده است، ولی اثر مستقیم آن بر حمایت اجتماعی معنادار نیست. اثر غیرمستقیم جنس بر سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی معنادار است، در حالی که اثر کلی جنس بر نیازهای بنیادین معنادار نیست. اثر مستقیم حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی معنادار است.

جدول ۳. نتایج آزمون t مستقل متغیرهای نیازهای بنیادین، حمایت اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر

P	DF	t	پسر			دختر			متغیرها
			انحراف معیار	میانگین	فراوانی	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	
۰/۰۱۲	۱۵۸	۲/۵۳	۱۵/۹۱	۶۵/۹۰	۸۰	۱۱/۳۲	۶۰/۳۹	۸۰	نیازهای بنیادین
۰/۰۰۱	۱۵۸	۳/۵۴	۸/۹۵	۴۷/۰۰	۸۰	۸/۰۱	۲۴/۴۲	۸۰	حمایت اجتماعی

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون t گروه‌های مستقل به منظور بررسی تفاوت‌های جنسی در متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر در متغیرهای نیازهای بنیادین و سازگاری اجتماعی و حمایت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه انجام شد. یافته‌ها نشان داد که اثر متغیر حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی معنادار و مثبت است. همسو با این یافته می‌توان به نتایج مطالعات سالویتا و همکاران (۲۰۰۳)، وایت و هاستینگز (۲۰۰۴)، سسیلا و بلگریو (۲۰۰۷)، ویز (۲۰۰۳)، هالند و هولاهان (۲۰۰۳)، برامبلی و همکاران (۲۰۰۴)، تاو و همکاران (۲۰۰۰) و قراگوزلو و همکاران (۱۳۸۷) اشاره کرد. در تبیین این یافته می‌توان گفت از آن‌جا که حمایت اجتماعی شامل منابعی است که افراد آماده دریافت آن‌اند تا روابطشان را بهبود ببخشند و همچنین شامل مراقبت، محبت و کمکی که سایر افراد یا گروه‌ها است، می‌تواند در سازگاری اجتماعی تأثیر بگذارد، زیرا افراد با دریافت حمایت از این منابع بهتر می‌توانند، سازگاری اجتماعی را ایجاد کنند؛ لذا، اثرگذاری حمایت اجتماعی بر سازگاری اجتماعی دور از انتظار نیست.

اثر نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی جنبه دیگر مطالعه حاضر است که تأیید شد. این یافته به‌نوعی همسو و هماهنگ با پژوهش گلמן (۱۹۹۵) و نظریه انتخاب گلاسر (۱۳۸۵) است. یافته‌های پژوهشی حاضر را می‌توان بیانگر تأثیر ارضای نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی دانست. در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که اگر نیازهای بنیادین، نظیر نیاز به بقا، عشق، قدرت، آزادی و تفریح تا حدودی اغنا شود، سازگاری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

در این مطالعه اثر نیازهای بنیادین بر حمایت اجتماعی معنادار بود. این یافته نشان می‌دهد اگر نیازهای بنیادین، نظیر نیاز به بقا، عشق، قدرت، آزادی و تفریح در دانش‌آموزان مطابق با نظریه انتخاب برآورد شود، محبت، تسلی و عزت نفس یعنی حمایت اجتماعی، افزایش می‌یابد. همچنین در پژوهش حاضر تأثیر جنس بر نیازهای بنیادین معنی‌دار و مثبت بود. این یافته با نتایج پژوهش هاروی و رتر (۲۰۰۲) هماهنگ است. از سویی دیگر، تأثیر جنس بر حمایت اجتماعی معنادار نبود. این یافته بیانگر کاهش و زوال تفاوت و شکاف جنسی میان دختران و پسران در جامعه مورد مطالعه در مورد حمایت اجتماعی است. این ایده که دختران به محبت و مراقبت بیشتری نیاز دارند جای اصلاح و بررسی دارد. همچنین در این مطالعه نقش و اثر جنس بر سازگاری اجتماعی مثبت و معنی‌دار بود. در بخش مربوط به تفاوت‌های جنسی در میانگین متغیرهای مورد مطالعه، نتایج نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات سازگاری اجتماعی، حمایت اجتماعی و نیازهای بنیادین بین پسران و دختران تفاوت‌های مثبت و معناداری دیده می‌شود که این تفاوت به نفع پسران است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر لازم است که حمایت اجتماعی در دانش‌آموزان به منظور ایجاد و یا بهبود سازگاری اجتماعی، تقویت گردد و برای دانش‌آموزانی که احیاناً در سازگاری اجتماعی دچار مشکل هستند، از طریق تأمین نیازهای بنیادین و تقویت حمایت اجتماعی، سازگاری اجتماعی آن‌ها تعدیل گردد. علاوه بر آن با توجه به تأثیر غیر مستقیم نیازهای بنیادین بر سازگاری اجتماعی از طریق حمایت اجتماعی، ضروری به نظر می‌رسد که با تکیه بر چهارچوب نظری سازه نیازهای بنیادین و یافته‌های پژوهشی، میزان تأثیر این سازه در حمایت اجتماعی افزایش یابد، تا از آن طریق دانش‌آموزان بتوانند سازگاری اجتماعی بهتری را تجربه نمایند و فعالیت‌هایشان را با اطمینان خاطر بیشتری انجام دهند. همچنین می‌توان با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و مربیان آموزشی، ضمن روشن ساختن اهمیت تأمین نیازهای بنیادین و تقویت حمایت اجتماعی در افزایش سازگاری اجتماعی، به آنان در زمینه چگونگی برآورد نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی، راهکارهایی را ارائه نمود، تا از طریق اجرای آن راهکارها بتوانند، سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان را تعدیل و یا بهبود بخشند.

پژوهش حاضر از محدودیت‌های نیز برخوردار است. با توجه به این که گروه نمونه را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند، تعمیم نتایج به تمامی اقشار و گروه‌ها باید با احتیاط صورت بگیرد، لذا برای موضع‌گیری قاطع‌تر در مورد رابطه نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی در جامعه ایرانی، انجام پژوهش‌های بیشتر در نمونه‌های متنوع‌تر، ضروری به نظر می‌رسد. نتایج بررسی معلوم می‌کند که به مدل پژوهش حاضر به منزله یک مدل خوب و برانده می‌توان اتکاء کرد، اما این مدل تنها و آخرین مدل نیست، زیرا حتی اگر یک مدل با داده‌ها برازش یابد، هنوز

بی‌شماری از مدل‌های دیگر وجود دارد که ممکن است با داده‌ها برازش داشته باشد (هومن، ۱۳۸۴). بر این اساس پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌های بیشتری با دخالت متغیرهای متفاوتی که بر سازگاری اجتماعی اثرگذار هستند، انجام گردند.

تقدیر و تشکر

از دانش‌آموزانی که به عنوان آزمودنی در این پژوهش شرکت کردند و با همکاری صمیمانه آن‌ها اجرای پژوهش امکان پذیر گردید، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

تابع بردبار، فریبا. و رضویه، علی‌اصغر. (۱۳۸۳). بررسی رابط، راهبردهای رویارویی و حمایت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در دوره نوجوانی. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*. ۵ (۱): ۲۱-۵.
رحیم‌نیا، محسن. و رسولیان، مریم. (۱۳۸۵). مقایسه مکانیسم‌های سازگاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت و نوجوانان دبیرستانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*. ۱۱۲ (پیاپی ۴۴): ۳۵-۲۹.

زینی‌وند، علی. (۱۳۸۴). *بررسی عزت‌نفس و حمایت اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان شهرستان دره شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه تربیت معلم تهران.

سارافینو، ادوارد. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی سلامت*. ترجمه الهه میرزایی. تهران: انتشارات رشد.
سنگری، علی. (۱۳۸۵). *ادراک دانش‌آموزان از فرهنگ مدرسه و پیشرفت تحصیلی (بررسی عملکرد و علوم دانش‌آموزان شرکت‌کننده در تیمز ۲۰۰۳ پایه سوم راهنمایی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه تربیت معلم تهران.
سینه‌ها، ای. کی. پی. و سینک، آر. پی. (۱۳۸۰). *راهنمای پرسش‌نامه سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی*. ترجمه ابوالفضل کریمی. تهران: مؤسسه روان تجهیز سینا.

قراگوزلو، فاطمه، رحیمی‌نژاد، عباس، و رضازاده، محمدرضا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه حمایت اجتماعی خانواده و دوستان با سازگاری آموزشی دانشجویان. *مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی آسیب‌شناسی خانواده*. تهران: ایران. ۲۶-۲۳ اردیبهشت، دانشگاه شهیدبهشتی، صفحه ۳۱۴.
گلاسر، ویلیام. (۱۳۸۵). *نظریه انتخاب: روان‌شناسی نوین آزادی فردی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات رسا.

مظاهری، اکرم، باغبان، ایران، و فاتحی‌زاده، مریم. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش گروهی عزت‌نفس بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان. *دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانش‌پژوه*. ۱۳ (۱۶): ۵۶-۴۹.
نصیری، حبیب‌اله و سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). بررسی روایی و پایایی و ساختار عاملی مقیاس نیازهای خانواده برای خانواده‌های ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۴ (۱۴): ۱۰۹-۱۲۲.

نویدی، احد. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های سازگاری پسران دوره متوسطه شهر تهران. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴(۴): ۴۰۳-۳۹۴.
هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۴). *تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری*. تهران: نشر پارسا.

- Beckert, L., Wilkinson, T.J. & Sainsbury, R. (2003). A need-based study and examination skills course improves student's performance. *Medical Education*, 37: 424 – 428.
- Blum, R. W. (2005). A case for school connectedness. *Educational Leadership*. 62(7): 16–20.
- Bromley, J., Hare, D. J., Davison, K., & Emerson, E. (2004). Mothers supporting children with autism spectrum disorders. social support, mental health status and satisfaction with services. *Autism*. 8: 409–423.
- Burns, M. K., Vance, D., Szadokierski, I., Stockwell, C. (2006). Student needs survey: A psychometrically sound measure of the five basic needs. *International Journal of Reality Therapy*. 25(2): 4-8.
- Cecilia, Z. M. Belgrave, F. (2007). Stress, social support, and college adjustment among Latino students. *Cultural Diversity and Mental Health*. 2(3) : 193-203.
- Crockett, L.J., Moilanen, K.L., Raffaelli, M., & Randall, B.A. (2006). Psychological Profiles and Adolescent Adjustment: A Person-Centered Approach. *Development and Psychopathology*, 18(1): 195-214.
- Ervin, J. (2003). Giving students what they need. *British Journal of Guidance & Counseling*, 34(4):143-156.
- Frey, I.M & Wilhite, K. (2005). Our Five Basic Needs: Application for understanding the function of behavior. *Journal of Intervention in school and clinic*. 40(3): 156-160.
- Garber, j., Keily. M.K., & Martin, N.C. (2002). Development of adolescence depressive symptoms: predictors of change. *Journal of counseling and clinical psychology*, 70: 79-95.
- Harvey, V S., & Retter, K. (2002). Variations by gender between children and adolescents on the four basic psychological needs. *Intemational Journal of Reality Therapy*, 21(2): 33-36.
- Holland, K. D., & Holahan, C.K. (2003). The relation of social support and copin to positive adaptation to breast cancer. *Psychology and Health*, 18: 15–29.
- Huffstetler, B. C., Mims, S. H., & Thompson, C. L. (2004). Getting together and staying together: testing the compatibility of the need – strength profile and the basic needs survey. *International Journal of Reality Therapy*. 3(2): 14-20.
- Laura, J. F., Graham, J. R. & Naomi. S. (2007). Social support, self- esteem, and stress as predictors of adjustment to university among first –year under graduates. *Journal of College Student Development*, 48(3): 259-274.
- Malley, J., Basic, J., Beck, M. Tavra, K.V., Feric, M., & Conway, J. (2003). Students perception of their schools: *International Journal of Reality Therapy*, 4(1): 5-9.
- Pierre, C. (2000). *The developing person through childhood and adolescence*. New York:worth publishers.

- Saloviita, T., Italinna, M., & Leinonen, E. (2003). Explaining the parental stress of fathers and mothers caring for a child with intellectual disability: A Double ABCX model. *Journal of Intellectual Disability Research*, 47: 300–312.
- Tao, S., Dong, Q., Pratt, M.W., Hunsberger, B., & Pancer. S.M. (2000). Social support: Relation to coping and adjustment during the transition to university in the People`s Republic of China. *Journal of Adolescent Research*, 15(1): 123-144.
- Trigonaki, Nassia (2002). Parents of children with autism and the five basic needs. *International Journal of Reality Therapy*. 21(2): 13-14.
- Weiss, M. J. (2002). Hardiness and social support as predictors of stress in mothers of typical children, children with autism, and children with mental retardation *Autism*. 6: 115-130.
- White, N., & Hastings, R. P. (2004). Social and professional support for parents of adolescents with severe intellectual disabilities. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, 17: 181–190.

Archive of SID